

همانا که شرط ریاضیات همان شرط شمس تبریزی با شخصی است که همراهی او را می‌طلبید؛ شرطی که قابل خواندن و مکث کردن است.
گفت: آن‌گاه هم‌سفر من توانی شد که جواب مطابق‌گویی؛ هیچ زیادت نی.

چون باز آمد گفت: زن داری؟
گفت: زن دارم و دو بچه.^۲

ویژگی دوم عملی بودن آن است. ریاضیات، حتی انتزاعی‌ترین آن، جای در عمل دارد. ممکن است کسی ادعا کند مطالبی در ریاضیات هست که جنبه عملی ندارد. اما این سخن ناپخته است و علت آن ناصبوری گوینده آن است. آن روز که «حساب تنسور»^۴ در قرن نوزدهم اختراع شد، هیچ‌کس جای آن را در عمل نمی‌دانست. اما چون قرن بیستم رسید و اینشتاین پایور شد و آن را در نظریه نسبیت خود به کار برد، عملی شد.

مثال جالب دیگری در این مورد سخن هاردی است. این محقق ریاضی که از کاربرد علم در ساختن و به‌کاربردن بمب اتمی توسط آمریکا در ژاپن متأثر شده بود، در کتاب معروف خود، دفاعیه یک ریاضی‌دان، از تقدیر و بخت خود از این رو سپاسگزار است که دانشش، یعنی «نظریه عددها»، به‌گونه‌ای است که جنبه عملی

ندارد و کسی نمی‌تواند از آن برای آزار و اذیت بشر سوءاستفاده کند. این یکی هم چندی نگذشت که مهم‌ترین جایگاه را در عمل، یعنی رایانه، به دست آورد و بالاترین کاربردها را در حال حاضر در میان رشته‌های دیگر ریاضیات حاصل کرده است.

پس به آن خام‌اندیشه بی‌صبر و حوصله، از جانب حافظ خطاب می‌کنیم که فرمود: «گریه شام و سحر ضایع نمی‌شود.»^۵ به کار رفتن ریاضیات انتزاعی مورد اشاره‌اش، به قول مردم کوچه و بازار، دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. و مانند درخت دوستی حافظ،^۶ یا درخت گردوی آن پیردانه گردوکار^۷ است که امروز دانه آن را می‌کاریم و فردا بر آن را می‌خوریم. از آیات قرآن هم به یاد می‌آوریم که خداوند سبحان به رنجوران درازنای شب فرموده است:

«أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۸

مقاله‌مان را با داستان شیرین آن دزد مدعی دهل‌زنی «مثنوی معنوی» به پایان می‌رسانیم که به آن رنجور نیم‌شب که از او پرسید: «در چه کاری؟» گفت: «دهل می‌زنم.» پرسید: «پس بانگ دهل کو؟» گفت: «فردا این بانگ را خواهی شنید.»^۹

* پی‌نوشت‌ها

۱. این بیت از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری است، که در کتاب «خسرو و شیرین» از قول شیرین به بزرگ امید حکیم آورده، و کامل آن به‌صورت زیر است:
چو شیرین دید کان دیرینه استاد
در گنج سخن بر شاه بگشاد
ثنا گفتش که ای پیر یگانه
ندیده چون تویی چشم زمانه
چو بر خسرو گشادی گنج کانی
نصیبی ده مرا نیز از توانی
کلیدی کن نه زنجیری در این بند
فرو خوان از کلیده نکته‌ای چند
و در جواب شیرین آمده است:
بزرگ امید چون گلبرگ بشکفت
چهل قصبه به چل نکته فرو گفت
آن‌گاه در چهل بیت حاصل چهل داستان
«کلیده و دمنه» را بیان می‌کند که البته در نهایت اختصار و نمونه‌ای راستین از کلام قل و دل است. ما در اینجا به آوردن چهار بیت از آن قناعت می‌کنیم:
نخستین گفت کز خود بر حذر باش
چو گاو ستر به زان شیر حتماش

هو بشکن کزو باری نیاید
که از بوزینه نجاری نیاید
به تلبیس آن توانی خورد از این راه
کز آن طبل دریده خورد رویه
مکن تا در نعمت ناید درازی
چو زاهد ممسکی در خرقة بازی
(کلیات حکیم نظامی گنجوی / تصحیح وحید دستگردی)
۲. از گلشن راز شیخ محمود شبستری، عارف بزرگ قرن هشتم هجری.
۳. مقالات شمس.
۴. tensor. تنسورها اشیایی هستند که روابط خطی بین بردارها، اسکالرها و تنسورهای دیگر را تعریف می‌کنند. این اشیا از لحاظ ریاضی، صرفاً آرایه‌هایی از عددها یا تابع‌ها هستند که طبق قواعد خاصی، تحت تغییر مختصات، تبدیل می‌شوند.
۵. گریه شام و سحر شکر که ضایع نشد
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
۶. تا درخت دوستی کی بردهد
حالیار رفتیم و تخمی کاشتیم
۷. آن مرد پیر به معترض گردو کاشتن خود که
می‌گفت عمر تو مرد پیر به میوه این درخت وفا

نمی‌کند، گفت:
دیگران کاشتند، ما خوردیم
ما بکاریم، دیگران بخورند
۸. سوره هود، آیه ۸۱:
آیا صبحدم نزدیک نیست؟
۹. این مثل بشنو که شب دزدی عنید
درین دیوار حفره می‌تُرید
نیم‌بیداری که او رنجور بود
تق‌تق آهسته‌اش را می‌شنود
رفت بر بام و فرو آویخت سر
گفت او را: در چه کاری ای پدر؟
خیر باشد نیم‌شب چه می‌کنی؟
تو که‌ای؟ گفتا: دهل‌زن، ای سنی
در چه کاری؟ گفت: می‌کوبم دهل
گفت: کو بانگ دهل ای بوسیل؟
گفت: فردا بشنوی این بانگ را
نعره یاحسرتا وا وُیلتا

(مثنوی معنوی / دفتر سوم / ۲۸۰۴-۲۷۹۹)

من چو رفتم بشنوی بانگ دهل
آن زمان آگه شوی بر جزء و کل
(الحاقی)